

مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، دانشگاه فردوسی مشهد، علمی- پژوهشی، شماره پیاپی ۶- بهار و تابستان ۱۳۹۱

دکتر پروین دخت مشهور (استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نیشابور، نویسنده مسئول)

دکتر غلام محمد فقیری (دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه فرهنگیان تهران)

بررسی و تحلیل انواع زمان در دفتر اول، دوم و سوم مثنوی مولوی با رویکرد

سبک‌شناسی رایانشی - پیکره ای

چکیده

مقاله حاضر با رویکرد سبک‌شناسی رایانشی - پیکره ای به بررسی توزیع فراوانی و درصدی انواع زمان در دفتر اول، دوم و سوم مثنوی می‌پردازد و بر این فرضیه استوار است که می‌توان با استفاده از متغیر زمان به میزان واقع‌گرایی، سبک‌روایی و جنبه‌هایی از صدای دستوری در این اثر دست یافت. مبانی نظری و کاربردی این نوشتار، تلفیقی از دستور نظام مند هلیدی و دستور سستی است. پیکره‌زبانی آن شامل ۱۶۱۲۲ فعل در سه دفتر نخست مثنوی بوده که بر اساس روش نمونه‌گیری سیستماتیک انتخاب شده و ۱۶ متغیر زمان در پیکره داده‌ها تحلیل شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد در سه دفتر نخست مثنوی، زمان حال ۶۳٪، گذشته ۳۶٪ و آینده ۰/۵٪ درصد افعال را به خود اختصاص داده است. این یافته‌ها بیانگر این نکات است که مولانا در اشاره‌گری زمانی فلسفه روانشناسی انسان‌گرایانه داشته که به زندگی در اینجا و اکنون می‌اندیشد. همچنین وی از داستان‌ها و رویدادهای گذشته نیز برای تبیین احوال افراد استفاده می‌کند و سپس به پند و نصیحت می‌پردازد که سبک‌روایی نقل، نتیجه‌گیری و نصیحت را در مثنوی تأیید می‌کند.

کلیدواژه‌ها: زمان، ساختار روایی، انسان‌گرایانه، پیکره ای - رایانشی.

درآمد

سبک‌شناسی رایانشی زیرشاخه‌ای از زبان‌شناسی رایانشی و سبک‌شناسی است که به بررسی مشخصه‌های سبکی متون ادبی و غیر ادبی با استفاده از ابزارهای مقدماتی می‌پردازد. هدف این رویکرد، کشف عادات سبکی، خصوصیات سبکی، گرایش‌های سبکی، رد پا و DNA نویسنده است.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۱/۱ پذیرفته: ۱۳۹۱/۸/۲

Faghiri104@yahoo.com

پست الکترونیکی: P_d_mshhoor@yahoo.com

سبک شناسان رایانشی سعی می‌کنند شواهد تجربی و عینی را جایگزین قضاوت‌های شهودی کنند و بر این باورند که قضاوت‌های شهودی بیشتر در معرض تعصبات شخصی مشاهده گر واقع می‌گردد (Encyclopedia of linguistics, 1995:774). در حالی که بر پایه شواهد عینی، سبک‌شناس می‌تواند درباره ذهن و شخصیت یک نویسنده بدون تعصب و پیش داوری اظهار نظر کند، به توصیف، طبقه بندی، تعبیر و تفسیر متون پردازد و آثار گمنام را به نویسندگان و دوره‌های تاریخی خاص نسبت دهد و با استفاده از گاهشماری سبکی^۱ آثار تاریخی را طبقه بندی کند (همان: ۷۷۰-۷۶۹).

در تحلیل‌های سبک شناسی رایانه مشخصه‌های سبکی مانند طول هجا، واژه و جمله، حروف تعریف، حروف اضافه، علائم سجاوندی، واژه‌های پرسامد، عناصر اصلی^۲، واژه‌های عام^۳ و ... با استفاده از نمودارها و شکل‌های خاص به همراه محاسبات آماری مانند ضریب همبستگی بررسی می‌گردد (همان: ۷۷۱).

سبک شناسی و زبانشناسی پیکره ای نیز با استفاده از فنون رایانه ای و نرم افزاری به تحلیل کمی و کیفی پیکره‌های زبانی می‌پردازد. این تحلیل‌ها بر پایه پیکره‌های زبانی یا پایگاه داده‌های صورت می‌گیرد و دو نوع کمی و کیفی را شامل می‌گردد (Encyclopedia of linguistics, 2005:225). در بررسی‌های رایانشی مانند دیگر رویکردهای سبک شناسی زبانشناختی از دو نوع مشخصه سبکی برای تحلیل استفاده می‌شود: مشخصه‌های بالقوه^۴ که از پیش برای تحلیل تعیین می‌شود و مشخصه‌های بارز^۵ که حاصل جرقه‌هایی است که هنگام خواندن متن در ذهن نویسنده پدید می‌آید. در تحقیق حاضر زمان به عنوان مشخصه بالقوه زمان برای تحلیل مطرح می‌گردد. بررسی انواع زمان نشان می‌دهد که ذهنیت یک فرد یا اثر معطوف به چه جهتی از زمان است و سبک روایی و صدای دستوری آن چگونه است. این مقوله می‌تواند در تفسیر روانشناختی و فلسفی یک متن موثر باشد و دیدگاه نویسنده را از زندگی بازنمایاند.

-
- 1- Stylochronometry
 - 2- Principal components
 - 3- Common words
 - 4- Potential features
 - 5- Prominent features

زمان و وجه به لحاظ ساختوازی از ویژگی‌های گروه فعلی است. گروه فعلی که از دو تکواژ اجباری بن فعل + شناسه تشکیل می‌شود، مهم‌ترین رکن گزاره است. گروه فعلی دارای سه ویژگی دیگر از جمله گذر، معلوم و مجهول و شخص نیز می‌باشد. هر زمان دارای ساختار ساختوازی مشخصی است که آن را از انواع دیگر متمایز می‌کند، اما میان نقش‌های و کاربردهای آن مرز مشخصی وجود ندارد؛ از این رو رویکرد نقشی می‌تواند تحلیل واقعی تری از آن ارایه کند.

روش تحقیق

در طرح تحقیق^۱ مقاله حاضر، نوع تحقیق کاربردی و رویکرد آن سبک‌شناسی رایانشی - پیکره-ای است. روش تحقیق کیفی - کمی^۲ است و روند کار^۳ بدین صورت است که انواع زمان به عنوان متغیر بالقوه انتخاب گردیده، به صورت کیفی تحلیل شده و به صورت کمی در SPSS ثبت شده و سپس محاسبات آماری روی آن صورت گرفته است. حجم نمونه^۴: شامل ۱۶۱۲۲ فعل بوده که از جامعه آماری^۵ سه دفتر نخست به روش نمونه‌گیری سیستماتیک^۶ انتخاب شده است. واحد نمونه^۷ بیت و واحد تحلیل^۸ فعل بوده و متغیرها^۹ شامل ۱۶ نوع زمان را شامل می‌گردد. هدف اصلی^{۱۰} مقاله کشف پارادایم زمان در سه دفتر نخست مثنوی است و هدف عینی^{۱۱} آن بررسی توزیع فراوانی و درصدی انواع زمان، تشخیص صدای دستوی و سبک روایی در مثنوی می‌باشد. فرضیه^{۱۲} این است که با بررسی بسامد انواع زمان می‌توان به برخی مشخصات سبکی ساختاری و محتوایی مثنوی دست

- 1- Research design
- 2- Qualitative- quantitative
- 3- Procedure
- 4- Sample size
- 5- Population
- 6- Systematic sampling
- 7- Sample unit
- 8- Analysis unit
- 9- Variables
- 10- Goal
- 11- Objective
- 12- Hypothesis

یافت و نوع نگاه مولانا به واقعیت و صدای دستوری وی را کشف کرد. یافته‌های تحقیق^۱ نیز در قالب نمودارهای فراوانی و درصدی ارائه گردیده و مورد بحث قرار می‌گیرد.

پیشینه تحقیق

در زمینه تحلیل سبک شناسی مثنوی بیشتر آثار به سبک شناسی سستی تعلق دارد که بر پایه روش ذوقی و شهودی است. تحلیل‌گر ادبی در این رویکرد به دنبال کشف مشخصه‌های بارز و متمایز یک متن از طریق انس با اثر و مطالعه مکرر آن است، وی به صورت "ملکه ای سخن شناس" سبک‌ها و تفاوت‌ها با به خوبی می‌فهمد، اما استدلال‌های وی زبانی نیست. قضاوت‌ها نیز در سبک شناسی سستی بیشتر ادعایی و احساسی و بر مبنای خوب و بد است (فتوحی، ۱۳۹۰: ۸۹).

گرایش‌های تحلیل در سبک شناسی مثنوی بیشتر موضوعی، مضمونی و محتوایی است: برای مثال کتاب میناگر عشق از کریم زمانی شرح موضوعی مثنوی است که در آن مبانی اندیشه‌های مولانا و امهات آرای وی بیان شده است (زمانی، ۱۳۸۴: ۴۷). در این اثر دیدگاه مولانا نسبت به اموری چون: کثرت و وحدت، خداشناسی، تناسخ، انفاق و روزه و نماز، نکته‌های اخلاقی، اضداد، مرگ، رحمت و قهر، حال و مقام و... با استناد به شواهد شعری از مثنوی، مورد بحث قرار گرفته است.

استعلامی، نیز در مقدمه، تصحیح و تعلیقات مثنوی کوشیده است با ارایه درست‌ترین صورت ممکن مثنوی، فهرست‌های گوناگون و مفید و مقدمه ای سودمند در باره زندگی و آثار مولانا، خوانندگان را از مراجعه به سایر کتاب‌ها بی‌نیاز سازد. استعلامی، متن و توضیحات هریک از دفترهای شش گانه را با هم و در یک دفتر عرضه می‌کند (استعلامی، ۱۳۸۷: ۸۷).

مشهور در کتاب *عارفان در مثنوی* نیز به شخصیت شناسی شخصیت‌های مثنوی؛ معرفی و شرح احوال، ذکر آثار و تحلیل دیدگاه مولانا نسبت به شخصیت‌ها پرداخته است. در هر فصل ابتدا شخصیت عرفانی و آثار و اقوال و احوال وی بررسی شده است و با شواهدی از آثار دست اول مستند و مستدل گردیده است و سپس دریافت‌ها، استنباط‌ها و تحلیل‌های نگارنده درباره وی بیان

شده است. همچنین دیدگاه مولانا درباره آن شخصیت به عنوان نمونه ای کامل از مردان حق، اقطاب و اوتاد روزگار ذکر شده است (مشهور، ۱۳۸۹: ۶).

مصطفی گرجی در پایان نامه دکتری خود با عنوان نقد و تحلیل و بررسی مقاله‌های فارسی درباره مثنوی از آغاز تا سال ۱۳۸۰ کلیه مقالاتی را که پیرامون مثنوی تا این تاریخ نوشته شده بررسی کرده است. تعداد این مقالات ۶۴۰ عدد می‌باشد که به ترتیب تاریخی و موضوعی طبقه بندی شده است. از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ مقالات پیرامون مثنوی ۵۸٪ رشد کیفی و کمی داشته است و سال ۱۳۷۸ با ۵۷ مقاله در راس قرار گرفته است. این مقالات به ۱۴ گروه طبقه بندی شده است که بالاترین بسامد را به ترتیب مقالات شرح، نقد و تصحیح (۹۳ مقاله) و دین، عرفان و فلسفه (۸۶ مقاله) به خود اختصاص داده است. در این رساله ۵۷۳ مقاله مورد نقد و بررسی قرار گرفته است که ۱۴۷ مقاله از اعتبار کافی برخوردار نبوده اند و ۴۲۶ مقاله ویژگی‌های مقاله علمی را دارا بوده اند (گرجی: ۷۵۸-۷۵۹).

در رساله مذکور مقالات به ۱۴ بخش بر مبنای موضوعی و تاریخی طبقه بندی شده اند که عبارتند از: تحلیل ابیات، مثنوی شناسی، مقالات تطبیقی و مقایسه ای، مباحث فقهی و کلامی، مقالات مربوط به عقل و عشق، داستان‌های مثنوی، دین، فلسفه و عرفان، معرفت شناسی، جامعه شناسی و مباحث اجتماعی، شخصیت شناسی، شرح، نقد و تصحیح نسخ، مقالات تک موضوعی و موضوعات پراکنده. این مقالات به انواع معتبر و فاقد اعتبار علمی تقسیم گردیده اند که یکی از نکات برجسته این رساله می‌باشد. بیشترین مقالات به نقد، تصحیح نسخ و شروح (۹۳٪) و دین، فلسفه و عرفان (۸۶٪) اختصاص یافته است و کمترین مقالات به مبحث اجتماعی و جامعه شناختی (۵٪) (همان: ۷۵۸-۷۶۲). قابل ذکر است که بررسی مقالات بر مبنای چارچوب‌های مقاله علمی مورد تحلیل قرار گرفته است و به گونه ای موضوعی و تاریخی طبقه بندی شده است. نکته جالب توجه این است که در ۶۴۰ مقاله بررسی شده مقالات سبک شناسی به ویژه با رویکرد زبانشناختی مقاله ای نوشته نشده است.

مقاله "چندآوایی و منطق گفتگویی در نگاه مولوی به مساله جهد و توکل با تکیه بر داستان شیر و نخچیران" یکی از مسائل مهم فرهنگ اسلامی از دیدگاه منطق مکالمه باختین مورد بررسی قرار گرفته است. فرضیه این تحقیق این است که مولوی به داستان مزبور به شیوه چندآوایی نگریسته است. نظریه تحقیق منطق مکالمه باختین می‌باشد که نگرشی انسانگرایانه دارد. این نظریه برای کشف

لایه‌های درونی متن و صداهای پیدا و پنهان در آن مناسب است. منطق مکالمه رهانیدن انسان از جزم‌گرایی و مطلق‌اندیشی، ارزش نهادن به آرا و عقاید دیگران به عنوان فردیتی مستقل و پرهیز از داوری‌های یکسوگرایانه می‌باشد (قبادی، ۱۳۸۹: ۷۱-۷۶).

در آثار چندآوایی زمینه برای ظهور چندین موقعیت ایدئولوژیک فراهم می‌آید و صدای‌های گوناگون حق حیات پیدا می‌کنند. گفتگو نیز زمینه بینامتنیت را در متن فراهم می‌آورد و صداهای گوناگون با یکدیگر تلاقی کرده و چندآوایی اتفاق می‌افتد. داستان‌ها و حکایات مثنوی نیز ماهیتی چندآوا، منشورگون و چندلایه دارد که در عرصه مفاهیمی مانند قضا و قدر، جبر و اختیار، عقل و عشق، فقر و غنا، رضا و جهد و توکل بیش از پیش روی می‌نماید (همان: ۷۲-۷۳).

داستان شیر و نخجوان نمایانگر منطق مکالمه می‌باشد که گفتگوهای میان شیر و نخچیران، شیر با خود، نخچیران با خرگوش به تناوب و با رعایت نوبت‌گیری در آن اتفاق می‌افتد. در خلال این گفت‌وگوها آواهای قضا و قدر نیز به میان می‌آید که این آواها به طریق بینامتنیت با یکدیگر به گفتگو می‌نشینند. پردازش مساله جهد و توکل به گونه‌ای است که سلطه در آن کم‌رنگ می‌گردد و راوی نظر خودش را تحمیل نمی‌کند، بلکه حضور شخصیت‌ها و صداهایشان امکان گفتگوی متناوب در متن را پدید می‌آورد. جهد و توکل ساختاری منشورگون دارد که تضادها در آن بر اساس اصل همزیستی فراهم می‌آید که نشانگر چندصدایی در تفکر مولاناست (همان: ۹۱).

کتاب بوطیقای روایت در مثنوی نوشته حمیدرضا توکلی نیز با نگاهی فراگیر و کلی به مثنوی کوشیده است با در نظر داشتن یکپارچگی اجزا به بررسی معنی شناختی و زیباشناختی آن پردازد. نویسنده کتاب جنبه‌های خلاق و چندآوای مولانا در روایت‌گری را نیز مورد توجه قرار داده است (توکلی، ۱۳۸۹: ۱۵). وی بر این باور است که در بسیاری از قصه‌های مولانا زاویه دید دو یا چندپاره است و هر باری از نگاهی متفاوت و حتی متناقض به قضایا نگریسته می‌شود. وی می‌گوید: "هرگز نباید مثنوی را روایتی تصور کرد که در آن شخصیت‌ها بر پایه یک منطق بسیط و در چارچوب بسته وصف می‌شود و راوی سخنان خود را در دهان آنان می‌نهد. از این رو هیچ وقت مثنوی به تک‌آوایی مطلق نمی‌انجامد" (همان: ۱۲۴). "مولانا با تمام توان می‌کوشد همه چشم‌اندازها و آواها، هرچند ناساز، بی‌هیچ مانع و تحریفی مجال پدیداری یابند تا شاید سخن فرجامین از درون این روایت چندآوا و گفتگوی اضداد نمایان شود. بدین سان موضع

مولانا را در باب بسیاری از مسائل مناقشه‌آمیز چونان جبر و اختیار به آسانی و روشنی و قطعیت نمی‌توان مشخص کرد" (همان: ۱۳۳).

در راستای رویکردهای سبک‌شناسی زبانشناختی از جمله ساختگرا، فرمالیستی، نقشگرا، کاربردی، شناختی، تاریخی و گفتمانی و رویکردهای آماری و رایانشی مانند پیکره‌ای، آماری و سبک‌سنجی تحقیق شاخصی در کل مثنوی دیده نشده است و اکثر تحقیقات به سبک‌شناسی سستی و شهودی متعلق است. تحلیل مفاهیم، مضامین و موضوعات و قضاوت‌های ذوقی و شمی درباره اثر در سبک‌شناسی شهودی بسیار مورد توجه است. این گرایش در تحلیل متون ادبی در ایران به علت عدم آشنایی با نظریه‌های ادبی و مکاتب سبک‌شناسی گسترش زیادی یافته است. از این رو انجام پژوهش‌های ادبی با رویکردهای مدرن یک ضرورت محسوب می‌گردد تا میان شواهد شهودی و سبک‌شناختی تعاملی دو جانبه برقرار گردد و لایه‌های معنایی متن بهتر تبیین گردد.

در تحقیق حاضر، نگارندگان سعی کرده‌اند با تلفیق دو مکتب سبک‌شناسی زبانشناختی نقشگرا و پیکره‌ای مقوله زمان را که از انواع مشخصه‌های نقش بینافردی است، مورد بررسی قرار دهند. سبک‌شناسی نقشگرا به دنبال کشف نظام‌های معنایی، اجتماعی و اعتقادی از طریق شواهد زبانشناختی است و در نقش بینافردی چگونگی تعامل و ارتباط اجتماعی افراد مورد توجه قرار می‌گیرد. در نقش بینافردی مقوله‌های زمان، وجهیت، نمود و حالت فعل بررسی می‌گردد. زمان نشانگر میزان فاصله گوینده یا نویسنده از واقعیت است و میزان واقع‌گرایی وی را نسبت به امور بیان می‌کند. در تحقیق حاضر با رویکرد سبک‌شناسی عینی مقوله زمان در سه دفتر نخست مثنوی تحلیل گردیده و نتایج به صورت آماری ارائه می‌گردد.

مبانی نظری

در نظریه هلییدی همه زبان‌ها براساس سه معنای بنیادی سازماندهی می‌شوند: معنای اندیشگانی یا انگاره‌ساختی^۱، معنای بینافردی^۲ و معنای متنی^۳. نقش یا معنای اندیشگانی بازتاب تجربه ما از واقعیت است. این تجربیات که شامل رویدادهای اتفاق افتادن، انجام دادن، احساس کردن، معنی دادن، منظور-

1- Ideational

2- Interpersonal

3- Textual

داشتن، بیان کردن، بودن، شدن و ... در سه محور اصلی و سه محور فرعی در ذهن اتفاق می‌افتد. سه محور اصلی، شامل محور کنش^۱ یا دنیای روابط مادی^۲ است که از طریق آن کنش‌ها و رخدادهایی که تجربه کرده‌ایم بیان می‌کنیم. در محور حسّی^۳ یا دنیای خودآگاهی^۴ تجربه‌های فکرکردن، احساس کردن، دیدن و شنیدن را که در ذهن اتفاق می‌افتد بیان می‌کنیم. محور روابط انتزاعی^۵ نیز ارتباطات گوناگون اسنادی، موقعیتی و مالکیت را میان عناصر زبانی را بیان می‌کند.

ما از طریق نظام گذرایی^۶ پدیده‌های هستی را تجربه می‌کنیم و یک نظام معنایی در ذهن پدید می‌آوریم و سپس از طریق همین نظام با استفاده از نشانه‌ها و گزاره‌های زبانی به بیان نظام معنایی خودمان می‌پردازیم. در واقع نظام گذرایی فرایندی دو سویه بوده و تاثیر انسان را از محیط و بر محیط نشان می‌دهد. نقش بینافردی نوع تعامل فرد با جهان بیرون را بیان می‌کند؛ شیوه‌ای که وی دنیا را تجربه می‌کند، می‌بیند و به آن می‌نگرد. دو نوع متغیر بینافردی وجه^۷ و زمان^۸ می‌تواند نگاه نویسنده یا فرد را به زندگی و هستی بیان کند؛ از طریق متغیر زمان می‌توان به اشاره گری زمانی نویسنده در خط زمان^۹، فلسفه زندگی و جنبه‌هایی از سبک روایی و صدای دستوری یک اثر دست یافت.

بحث و تحلیل داده‌ها

مثنوی با مقدمه‌ای فاخر به عربی - به قلم مولانا- و ابیاتی شورانگیز، مشهور به "نی نامه"، که براعت استهلالی برای کل مثنوی است، آغاز می‌گردد. مثنوی شامل سلسله حکایت‌هایی با زمینه‌های تربیتی، ارشادی و معنوی است و گاهی بنا به مناسبت‌ها یا اهداف عالی از قصه بیرون رفته و به بیان مفاهیم الهی می‌پردازد و پس از القای آن مفاهیم دوباره به قصه باز می‌گردد. شیوه قصه گویی و

-
- 1- Doing
 - 2-Physical world
 - 3- Sensing
 - 4- World of consciousness
 - 5- World of abstract relations
 - 6- Transitivity system
 - 7- Mood
 - 8- Tense
 - 9- Time line

روایت گری و ارشاد و القای مفاهیم لاهوتی مشخصه بارز مثنوی است. نقل، نتیجه گیری و نصیحت پردازی در صدای نحوی مولانا مشهود است به طوری که با شم و شهود می توان آن را دریافت. مسئله تحقیق حاضر بررسی نمود مثنوی در چنبره زمان و میزان فاصله آن از واقعیت، جنبه‌هایی از سبک روایی و صدای نحوی یا دستوری است. داده‌های تحقیق از جامعه آماری سه دفتر نخست به شیوه نمونه گیری سیستماتیک انجام شده و حجم نمونه ۵۰٪ ابیات هر دفتر را در برمی گیرد. واحد نمونه بیت بوده و واحد تحلیل جمله می باشد. یافته‌های تحقیق به صورت نمودارهای فراوانی و درصدی به صورت تفکیکی ارائه می گردد تا میزان توزیع بسامدی و درصدی انواع زمان در هر دفتر روشن گردد. سپس در نموداری جداگانه بسامد و درصد انواع زمان در سه دفتر به طور کلی ارائه گردیده و در پایان همه یافته ها در جدولی به گونه ای جامع گزارش می گردد و تحلیل های نهایی در ذیل آن داده می شود.

رویکرد تحلیل این مقاله در تحلیل داده ها ساختاری- نقشی است. در رویکرد ساختاری، ساخت فعل ماضی، مضارع و آینده را می توان با توجه به ویژگی های ساختوازی تشخیص داد؛ به عبارتی دیگر نقش و معنی هر زمان با ساخت آن مطابقت می کند و رابطه ساخت با نقش یا معنی یک به یک است، در حالی که در واقعیت این گونه اتفاق نمی افتد؛ گذشته می تواند معنی حال بدهد و حال در نقش آینده بیاید و.... برای مثال در ابیات زیر فعل ها معادل نوع ساختاری خود نبوده و تعبیر نقشی آن در هنگام تحلیل ثبت شده است:

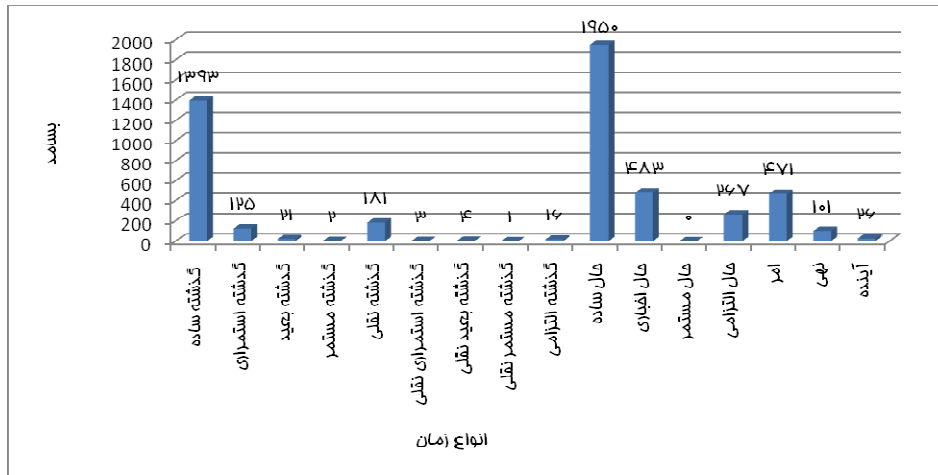
کوزه چشم حریصان پر نشد(نشود)	تا صدف قانع نشد(نشود) پر در نشد(نشود)
آن درختی کاو شود با یار جفت	از هوای خوش ز سر تا پا شکفت(می شکفت)
مدتی این مثنوی تاخیر شد	مهلتی بایست تا خون شیر شد(شود)
خلوت از اغیار باید نه ز یار	پوستین بهر دی آمد(هست) نه بهار
از خدا جویم توفیق ادب	بی ادب محروم گشت(گشته است) از لطف رب

در تحلیل داده ها به شکل ساختاری انواع زمان، کاربردهای و نقش های متفاوت هر یک توجه گردیده و بافت زبانی در تعبیر نقشی همواره مورد توجه بوده است. جدول ذیل انواع زمان ها، طریقه

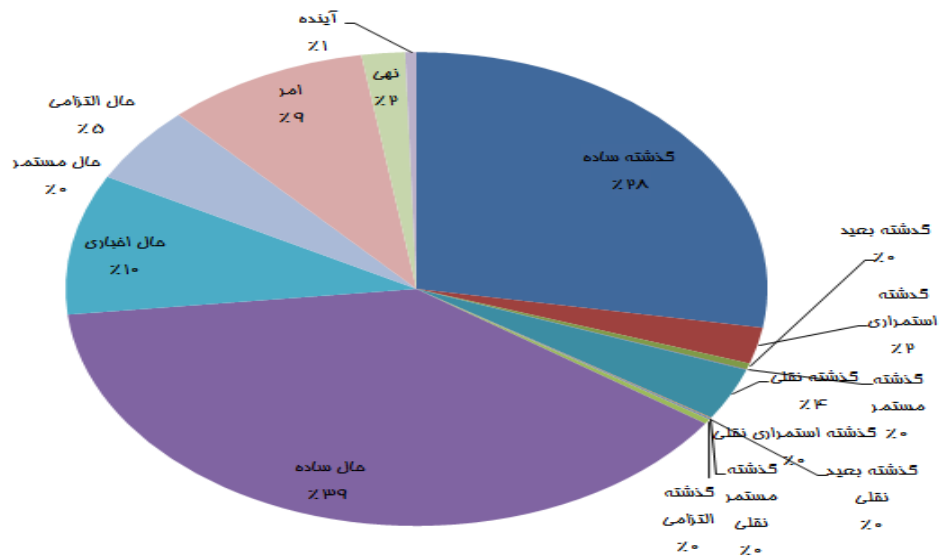
ساخت و صرف صیغه‌های گوناگون آن ترسیم گردیده است که در واقع متغیرهای بالقوه تحقیق حاضر به شمار می‌آید.

شماره	نوع زمان	نوع ساختار	مثال
۱	گذشته ساده	بن گذشته + شناسه‌های گذشته	گفتم، گفتی، گفت، و ...
۲	گذشته استمراری	می + گذشته ساده	می‌گفتم، می‌گفتی، می‌گفت و ...
۳	گذشته بعید	صفت مفعولی + بود + شناسه‌های گذشته	گفته بودم، گفته بودی، گفته بود ...
۴	گذشته مستمر	داشت + شناسه‌های گذشته + گذشته استمراری	داشتم می‌گفتم، داشتی می‌گفتی، داشت می‌گفت و ...
۵	گذشته نقلی	صفت مفعولی + ام، ای، است، ایم، اید، اند	گفته ام، گفته ای، گفته است و ...
۶	گذشته استمراری نقلی	می + گذشته ساده نقلی	می‌گفتم، می‌گفته‌ای می‌گفته (است) و ...
۷	گذشته بعید نقلی	صفت مفعولی + بوده‌ای، ...	گفته بوده ام، گفته بوده ای، گفته بوده است و ...
۸	گذشته مستمر نقلی	داشته‌ام + داشته‌ای ... + استمراری نقلی	داشته‌ام می‌گفته‌ای، داشته‌ای می‌گفته‌ای، داشته (است) می‌گفته (است) و ...
۹	گذشته التزامی	صفت مفعولی + باشم، باشی، باشد و ...	گفته باشم، گفته باشی، گفته باشد.
۱۰	حال ساده	بن مضارع + شناسه‌های حال	گویم، گویی، گوید، گوئیم، گوئید، گویند
۱۱	حال اخباری	می + بن حال + شناسه‌های حال	می‌خورم، می‌خوری، می‌خورد و ...
۱۲	حال مستمر	دارم، داری، دارد، داریم، دارید، دارند + حال اخباری	دارم می‌روم، داری می‌روی، دارد می‌رود و ...
۱۳	حال التزامی	ب + حال ساده	بروم، بروی، برود، برویم، بروید، بروند
۱۴	امر	ب + بن حال	مثال: برو، بروید.
۱۵	نهی	ن یا م + بن حال	نرو، مرو
۱۶	آینده	خواهم، خواهی، خواهد و .. + بن گذشته	خواهم رفت، خواهی رفت، خواهد رفت و ...

شکل ۱: نمودار فراوانی انواع زمان در دفتر اول مثنوی



شکل ۲: نمودار درصدی انواع زمان در دفتر اول مثنوی



با توجه به نمودار بالا در دفتر اول مثنوی، زمان گذشته ۳۴/۱٪، حال ۶۵/۴٪ و آینده ۰/۵٪ درصد را شامل می‌گردد. از دیدگاه سبک شناسی شمی یا تکوینی، مولانا در مثنوی به روایت داستان‌هایی از گذشته می‌پردازد و سپس به تبیین اعمال افراد و چونگی احوال آنها می‌پردازد و سپس با توصیه‌هایی به داستان

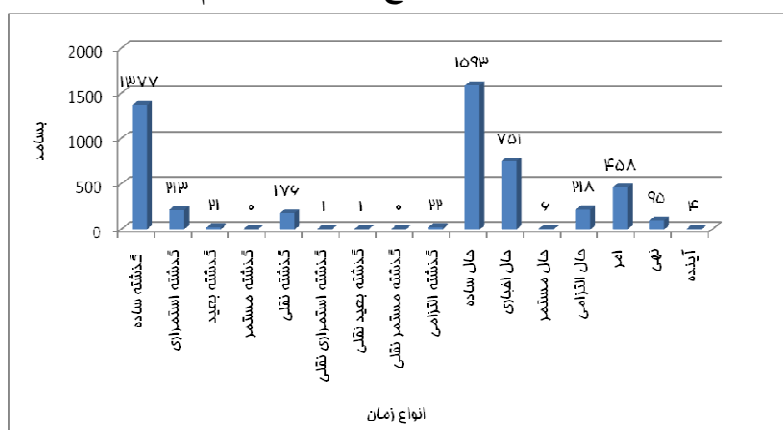
خاتمه می‌دهد. بسامد زمان‌های دفتر اول، به خصوص زمان حال، نیز این ساختار روایی را تایید می‌کند. از طرفی دیگر درصد بالای زمان حال نشانگر این است که مولانا دیدگاهی انسان‌گرایانه به دنیا داشته و زندگی در حال و تبیین واقعیت امور برای وی اهمیت داشته است.

پند، اندرز و نصیحت در لابلای داستان‌های مثنوی مشخصه بارز آن محسوب می‌گردد. فعل‌های امر، نهی و الزام . ۱۶۹٪ درصد کل را در دفتر اول تشکیل می‌دهد که اغلب در نتیجه گیری داستان‌ها یا مواردی اتفاق می‌افتد که مولانا مخاطب را به امری ترغیب می‌کند یا او را از آن باز می‌دارد. صدای دستوری مولانا در این موارد ایدئولوژیک می‌باشد اگرچه لحن انسان‌گرایانه داشته باشد.

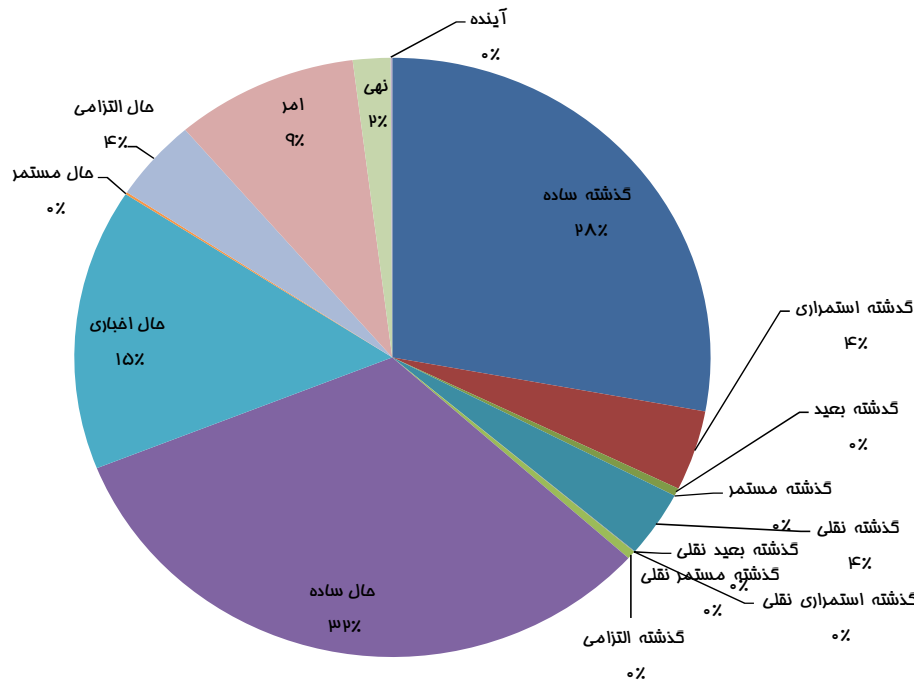
مولانا به سبب دیدگاه فلسفی و شیوه زندگی ابن‌الوقت است و در حال زندگی می‌کند. این قضیه را درصد بالای زمان حال نیز تایید می‌کند. اما نگاهی به آینده در این دفتر به چشم نمی‌خورد. البته می‌توان آینده‌ای که وی از احوال انسان ترسیم می‌کند به گونه‌ای شمی به دست آورد. توجه بسیار وی به زمان حال به سبب دیدگاه انسان‌گرایانه اش توجه به زندگی در اینجا و اکنون می‌باشد.

نمود و استمرار در زمان حال و گذشته در دفتر مذکور صفر است. شاید بتوان گفت صدای دستوری مثنوی در دفتر اول از نمود و استمرار چیزی مشاهده نمی‌شود و نگاه فرایند محور در آن وجود ندارد. در سوبه ایدئولوژیک دیدگاه فرآورده محور است و فرد به نتیجه می‌نگرد. البته مولانا در تبیین احوال و اعمال شخصیت‌های داستان به فرایند و چگونگی زندگی آنان توجه دارد اما مشخصه نمود که نشانه‌ای استمرار در کنش افعال باشد در یافته‌های آماری دیده نمی‌شود.

شکل ۳: نمودار فراوانی انواع زمان در دفتر دوم مثنوی



شکل ۴: نمودار درصدی انواع زمان در دفتر دوم مثنوی



در دفتر دوم زمان گذشته ۳۶/۶٪، حال ۶۳/۲٪ و آینده ۰/۱٪ افعال را به خود اختصاص داده است و همان الگوی دفتر اول در آن دیده می‌شود. صدای دستوری زمان دفتر دوم نیز بر محور حال می‌گردد. گفتمان مثنوی تبیینی، تحلیلی و تعلیمی است یعنی با نقل داستان یا نکته ای خاص به تبیین و تحلیل آن می‌پردازد و سپس قصد تعلیم و ارشاد مخاطب را دارد. ایدئولوژی و فلسفه وی نیز انسانگرایانه است که یافته‌های آماری در خط زمان نیز آن را تایید می‌کند.

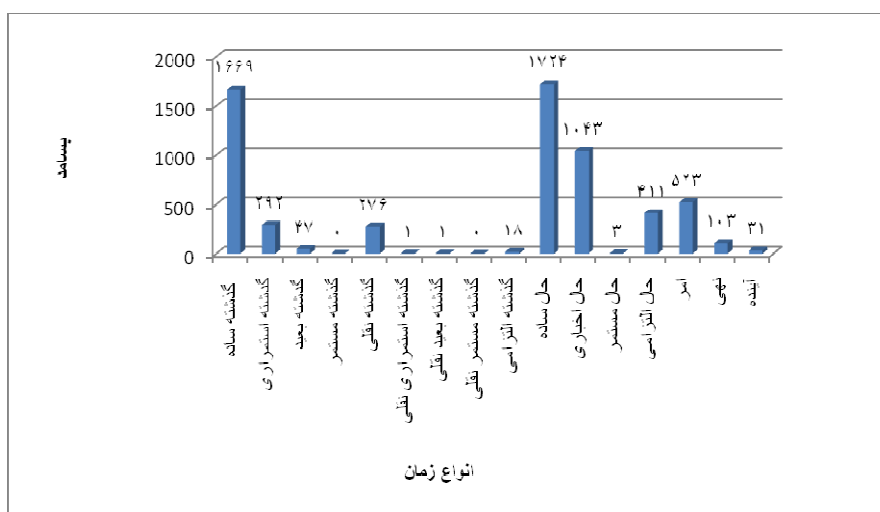
خط زمان مسیر نگاه نویسنده به هستی و زندگی را بیان می‌کند و نشانگر فلسفه فکری وی می‌باشد. یافته‌های آماری نشان می‌دهد مرکز ثقل تفکر مثنوی در این دفتر بر زمان حال می‌گردد و وی از گذشته برای تبیین حال مدد می‌جوید. این نکته از مشخصه‌های بارز در مثنوی است که نشان می‌دهد مولانا برای تبیین و نتیجه گیری چاره ای ندارد مگر اینکه به اتفاقات گذشته رجوع نماید.

سبک شناسی شمی یا تکوینی به مشخصه‌های بارز سبکی توجه می‌کند. مشخصه‌های بارز با غور در اثر در ذهن پدید می‌آید و می‌تواند اسباب مشخصه‌های بالقوه و محاسبات آماری باشد. در مواردی یافته‌های آماری می‌تواند آن را تایید یا تکذیب نماید. سبک شناسی آماری و عینی به مشخصه‌های بالقوه اهمیت می‌دهد؛ مشخصه‌هایی که از پیش برای اثبات یا ابطال قضیه یا فرضیه ای در اثر به کار می‌رود و بر مبنای بسامد و تکرار استوار است و از راه نمونه گیری و محاسبات آماری به دست می‌آید.

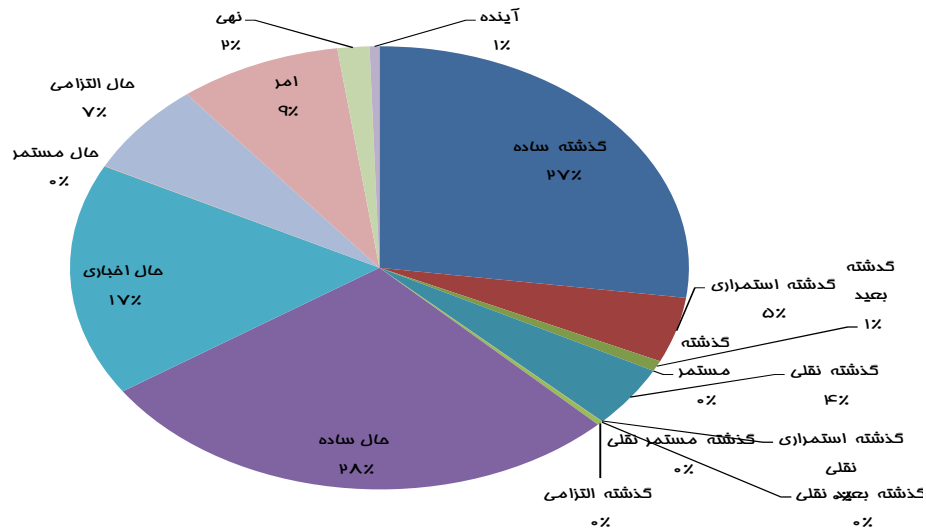
فرضیه تحقیق این بوده است که با تحلیل عنصر زمان می‌توان به پاره ای از نگاه مولانا به زندگی دست پیدا کرد و یافته‌های تحقیق توانسته است نگاه حال گرایانه و ابن الوقت بودن مولانا را نشان دهد. این نکته به صورت مشخصه‌های بارز از مثنوی قابل اثبات است و از طریق یافته‌های آماری در خصوص زمان تایید می‌گردد.

عنصر نمود و زمان آینده مانند دفتر اول صفر می‌باشد. شاید کمبود عنصر نمود را بتوان اینطور بیان کرد که فرایند بودن و شدن زمان کمتر مورد توجه بوده است. درصد زمان‌های نقلی نیز صفر می‌باشد که نشانگر این است که محور نقل بیان حکایات و اتفاقات گذشته بوده که با بیانی ساده با گذشته ساده بیان شده است.

شکل ۵: نمودار فراوانی انواع زمان در دفتر سوم مثنوی



شکل ۶: نمودار درصدی انواع زمان در دفتر سوم مثنوی



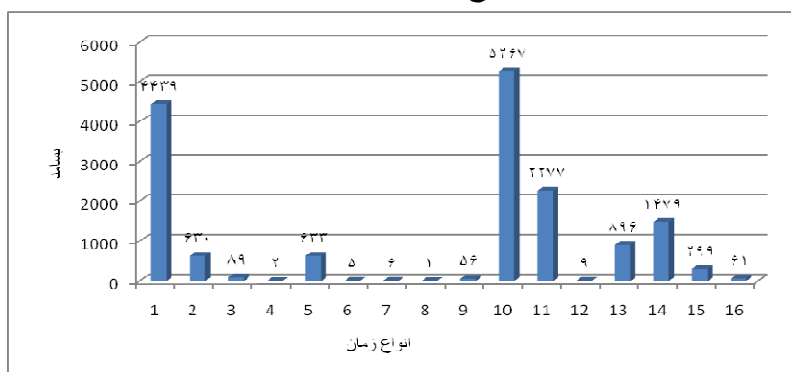
در دفتر سوم زمان گذشته ۳۷/۶٪، حال ۶۲٪ و آینده ۰/۵٪ درصد را شامل می‌گردد و همان شیوه دو دفتر نخست در آن دنبال می‌گردد. امر، نهی و الزام ۱۷٪ را نیز به خود اختصاص داده که مشخصه ای بارز محسوب می‌گردد و دیدگاه تعلیمی امر و نهی وی را تایید می‌کند.

دفتر سوم مانند دفتر اول و دوم مشخصه‌های سبکی سه ضلعی مولانا را در بیان اعمال و تبیین احوال تایید می‌کند. دیدگاه تعلیمی وی با ارایه شواهدی از گذشته، توضیح علل و اسباب اتفاقات و سپس بیان راه از بیراهه است که اگرچه انسانگرایانه است اما به لحاظ سبک بیان و نوع گفتمان بر پند و نصیحت و امر و نهی استوار است. امر، نهی و الزام نیز مضمون زمان حال و مربوط به احوال مخاطب درون حکایت و مخاطب بیرون می‌باشد.

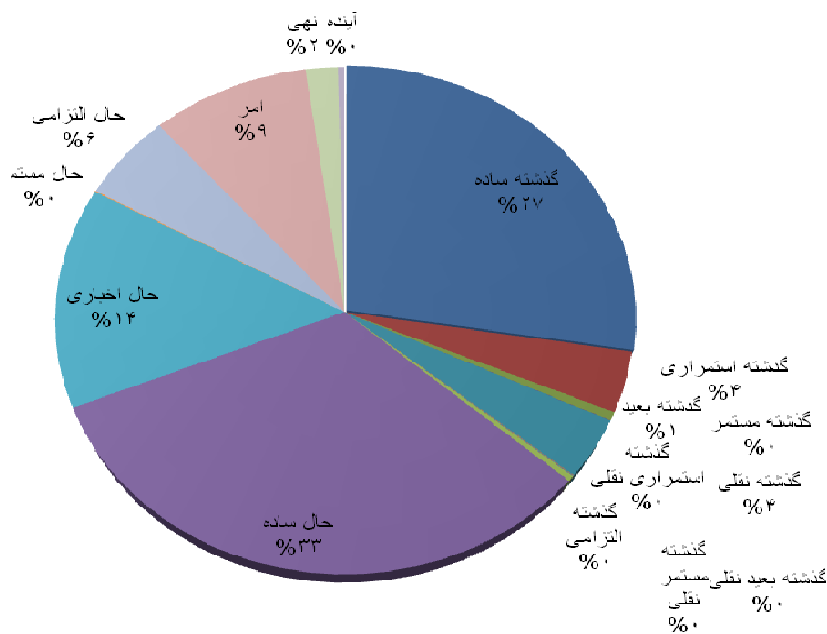
تا کنون در سه دفتر موجود نکته بسیار قابل توجه این است که در خط زمان هر سه دفتر مانند یکدیگر است و هیچ تغییر سبکی در سه دفتر در باب سبک روایی، صدای دستوری و نگرش فلسفی وجود ندارد. نمود در هر سه دفتر اول صفر است. زمان آینده نیز صفر است و نگاهی به آینده در آن وجود ندارد. زمان‌های نقلی نیز درصد ناچیزی را دارا می‌باشند که نشانگر نقل ساده حکایات با زمان و زبان گذشته ساده

است. این مساله که تغییر سبکی در نقل حکایات، تبیین احوال و نتیجه‌گیری اخلاقی و امر و نهی در سه دفتر وجود ندارد می‌تواند از لحاظ سبک شناسی بیشتر مورد توجه و پژوهش بیشتر قرار گیرد. در ادامه بحث و تحلیل داده‌ها ویژگی‌های تحلیل زمان در سه دفتر به طور کلی مورد توجه قرار می‌گیرد و شباهت‌ها و تفاوت‌های احتمالی بحث می‌گردد.

نمودار فراوانی انواع زمان در سه دفتر نخست مثنوی



نمودار درصدی انواع زمان در سه دفتر نخست مثنوی



جدول مقایسه توزیع بسامدی و درصدی انواع زمان در سه دفتر نخست مثنوی

انواع زمان	دفتر اول		دفتر دوم		دفتر سوم		بسامد کل	درصد کل
	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد		
گذشته ساده	۱۳۹۳	۲۷/۶	۱۳۷۷	۲۷/۹	۱۶۶۹	۲۷/۲	۴۴۳۹	۲۷/۵
گذشته استمراری	۱۲۵	۲/۵	۲۱۳	۴/۳	۲۹۲	۴/۸	۶۳۰	۳/۹
گذشته بعید	۲۱	۰/۴	۲۱	۰/۴	۴۷	۰/۸	۸۹	۰/۶
گذشته مستمر	۲	۰/۰	۰	۰/۰	۰	۰/۰	۲	۰/۰
گذشته نقلی	۱۸۱	۳/۶	۱۷۶	۳/۶	۲۷۶	۴/۵	۶۳۳	۳/۹
گذشته استمراری نقلی	۳	۰/۱	۱	۰/۰	۱	۰/۰	۵	۰/۰
گذشته بعید نقلی	۴	۰/۱	۱	۰/۰	۱	۰/۰	۶	۰/۰
گذشته مستمر نقلی	۱	۰/۰	۰	۰/۰	۰	۰/۰	۱	۰/۰
گذشته التزامی	۱۶	۰/۳	۲۲	۰/۴	۱۸	۰/۳	۵۶	۰/۳
حال ساده	۱۹۵۰	۳۸/۷	۱۵۹۳	۳۲/۳	۱۷۲۴	۲۸/۱	۵۲۶۷	۳۲/۷
حال اخباری	۴۸۳	۹/۶	۷۵۱	۱۵/۲	۱۰۴۳	۱۷/۰	۲۲۷۷	۱۴/۱
حال مستمر	۰	۰/۰	۶	۰/۱	۳	۰/۰	۹	۰/۱
حال التزامی	۲۶۷	۵/۳	۲۱۸	۴/۴	۴۱۱	۶/۷	۸۹۶	۵/۶
امر	۴۷۱	۹/۳	۴۵۸	۹/۳	۵۲۳	۸/۵	۱۴۵۲	۹/۰
نهی	۱۰۱	۲/۰	۹۵	۱/۹	۱۰۳	۱/۷	۲۹۹	۱/۹
آینده	۲۶	۰/۵	۴	۰/۱	۳۱	۰/۵	۶۱	۰/۴
جمع	۵۰۴۴	۱۰۰/۰	۴۹۳۶	۱۰۰/۰	۶۱۴۲	۱۰۰/۰	۱۶۱۲۲	۱۰۰/۰

یافته‌های تحقیق معمولاً می‌تواند شواهد سبک شناسی تکوینی یا شمی را تایید و تصدیق کند یا آنها رد کرده و نفی نماید. سبک شناسی آماری نوعی دیدگاه عینی یا پوزیتیویستی به نظرات و

دیدگاه‌ها درباره اثری را بیان می‌کند و از کلی‌گویی‌های شهودی دوری می‌جوید. یکی از اهداف این تحقیق نیز داوری و قضاوت بر مبنای شواهد عینی و علمی است. به یقین میزان دیدگاه ایدئولوژیک مولانا یا نگاه وی به آینده تنها با شهود در مثنوی قابل تمییز نبوده و از طرفی دیگر اظهار نظرهای شمی و شهودی در تحلیل‌های سبکی از جایگاه ویژه خود برخوردار است؛ به طوری که می‌تواند جرعه ای برای جستجوی عینی برخی مشخصه‌های سبکی در ذهن مخاطب باشد.

مجموع سه دفتر، همان‌طور که جدول توزیع بسامدی و درصدی نشان می‌دهد، با گرد کردن یک رقم اعشار گذشته تقریباً ۳۶٪، حال ۶۳٪ و آینده ۵٪. درصد کل فعل‌ها را به خود اختصاص داده و سبک روایی سه زاویه ای، صدای دستوری، نگاه وی به گذشته و حال و عدم توجه به آینده را نشان می‌دهد. همچنین ضریب همبستگی دفتر اول و دوم ۹۸٪، دوم و سوم ۹۹٪ و اول و سوم ۹۵٪ است که همانندی ساختار سبکی سه دفتر را تایید می‌کند.

زمان نشان دهنده فاصله گوینده یا نویسنده با موضوع است که بدین ترتیب این فاصله زاویه دید و ذهنیت وی را تغییر می‌دهد و میزان واقع‌گرایی او را نسبت به امور بیان می‌کند. کاربرد زمان‌های حال نشانگر ارتباط فوری و بی‌واسطه با واقعیت است و کاربرد زمان‌های گذشته میزان دوری یک اثر را از واقعیت نشان داده و دیدگاه گذشته‌نگر نویسنده را بیان می‌کند (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۷۳).

در مثنوی زمان‌های حال ۵۳/۴ درصد است که به انضمام امر و نهی به ۶۴/۳ درصد می‌رسد. از این رو می‌توان گفت عقربه زمان به طرف زمان حال می‌گردد و مولانا به سوی ارتباط بی‌واسطه با واقعیت گرایش دارد. نمود یا استمرار در فعل‌هایی که نشانه استمرارند مانند حال مستمر، گذشته استمراری، مستمر، نقلی و مستمر نقلی در مثنوی صفر است که نشانگر آن است که صدای دستوری در مثنوی از نوع ایستا است؛ نمود نشان می‌دهد که صدای دستوری تا چه میزان ایستا یا پویا است. همچنین در صد زمان آینده در آن صفر است که بیانگر آن است که عقربه زمان در مثنوی به سوی آینده تمایل ندارد.

نتیجه گیری

یافته‌های تحقیق حاضر تعامل و تاثیر متقابل سبک شناسی شهودی و عینی را پشتیبانی می‌کند و کارایی سبک شناسی رایانشی - پیکره ای در کشف DNA نویسنده یا اثر را نشان می‌دهد. همچنین از قضاوت‌های دقیق تر و مستدل تری برای پاسخ به فرضیات خود برخوردار است. زمان از مشخصه‌های نقش بینافردی در نظریه هیلیدی می‌باشد که نشان دهنده نوع تعامل اجتماعی فرد و نگرش وی به روابط بینافردی است. تحلیل نقشی این مشخصه در سه دفتر نخست مثنوی به کشف پارادایم زمان در آن انجامیده، به طوری که چگونگی کاربرد زمان توسط مولانا برای تبیین افکار و انگاره‌های وی را نشان می‌دهد؛ وی حال نگر است و به زمان حال و تحلیل احوال توجه ای خاص دارد و از گذشته برای تبیین بهتر آن استفاده می‌کند؛ واقع نگری او نشان دهنده فلسفه ای روانشناسی انسان‌گرایانه^۱ است که به زندگی در این جا و اکنون^۲ توجه دارد. همچنین یافته‌های تحقیق توانسته است پاره ای ویژگی‌های سبکی ساختاری و محتوایی سه دفتر اول را تبیین کند؛ برای مثال ساختار مثلثی نقل، نتیجه گیری و نصیحت که مشخصه سبکی بارز سه دفتر نخست می‌باشد. همچنین این که مولانا موضعی ایدئولوژیک^۳ و نصیحت گرایانه نسبت به روابط بینافردی داشته و از نقل و نکته پردازی برای استدلال درباره مواضع خود استفاده می‌کرده است. همچنین تحلیل نقشی نمود و زمان آینده نشان می‌دهد در صدای دستوری مثنوی نمود وجود ندارد و از این رو ایستاست و در پارادایم زمانی آن نیز نگاهی به آینده وجود ندارد.

کتابنامه

- احمدی گیوی، حسن. (۱۳۴۸). *دستور زبان فارسی فعل*. تهران: نشر قطره.
- استعلامی، محمد (۱۳۸۷). مقدمه، تصحیح و تعلیقات مثنوی. انتشارات زوار. چاپ پنجم.
- انوری، حسن و احمدی گیوی، حسن. (۱۳۷۷). *دستور زبان فارسی* ۲. ویرایش دوم. تهران: مؤسسه انتشارات فاطمی. چاپ پانزدهم.

- 1- Humanistic psychology
- 2- Here and now
- 3- Ideological stance

- جهانگیری، نادر. (۱۳۷۸). *زبان بازتاب زمان، فرهنگ و اندیشه (مجموعه مقالات)*. تهران: انتشارات آگاه.
- خیام پور، ع. (۱۳۴۴). *دستور زبان فارسی*. تبریز: چاپ شفق.
- خطیب رهبر، خلیل. (۱۳۶۷). *دستور زبان فارسی: کتاب حروف اضافه و ربط*. انتشارات سعدی.
- سرایبی، حسن. (۱۳۷۲). *مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری*. تهران: سمت.
- سیدحسینی، رضا. (۱۳۸۱). *مکتب‌های ادبی*. ج ۱ و ۲. تهران: انتشارات آگاه.
- شریعت، محمدجواد. (۱۳۴۵). *دستور زبان فارسی*. چاپ فردوسی.
- شفاهی، احمد. (۱۳۶۳). *مبانی علمی دستور زبان فارسی*. مؤسسه انتشارات نوین. چاپ اول.
- صادقی، علی اشرف و غلامرضا ارژنگ. (۱۳۶۱). *دستور برای سال دوم*. فرهنگ و ادب. وزارت آموزش و پرورش.
- زمانی، کریم. (۱۳۸۴). *میناگر عشق: شرح موضوعی مثنوی معنوی*. نشر نی. چاپ سوم.
- فتوحی، محمود. (۱۳۹۰). *سبک شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*. تهران: انتشارات سخن.
- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۷۸). *جمله و تحول آن در زبان فارسی*. تهران: انتشارات امیرکبیر. چاپ دوم.
- محتشمی، بهمن. (۱۳۷۰). *دستور کامل زبان فارسی*. انتشارات شرقی. چاپ اول.
- مشکوه‌الدینی، مهدی. (۱۳۸۱). *دستور زبان فارسی*. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- مشهور، پروین دخت (۱۳۸۹). *عارفان در مثنوی*. انتشارات آهنگ قلم با همکاری دانشگاه آزاد اسلامی واحد نساپور.
- ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۷۰). *دستور زبان فارسی*. تهران: انتشارات توس.
- وحیدیان کامیار، تقی. (۱۳۶۴). «*جمله‌های شرطی در زبان فارسی*». *مجله زبانشناسی*. سال دوم. شماره دوم. پاییز و زمستان.
- وحیدیان کامیار، تقی. (۱۳۸۱). *دستور زبان فارسی*. تهران: سمت.
- هدایت، صادق. (۱۳۸۳). *بوف کور*. اصفهان: انتشارات صادق هدایت.
- یاسمی، رشید و دیگران (۱۳۷۱). *دستور زبان فارسی: پنج استاد، چاپ حیدری*. چاپ اول.
- Asher, Ron. (1995). *Encyclopedia of linguistics*. Elsevier under the Pergamon Imprint.
- Halliday, M. A.K. (2005). *An introduction to functional grammar*. New York: Edward Arnold.

- _____ (1994). *An introduction to functional grammar*. Second edition. New York: Edward Arnold.
- _____ . (1973). *Explorations in the functions of language*. London. Edward Arnold.
- Halliday, M.A.K and Matthiessen, Christain.(2004). *An introduction to functional grammar*. Britain: Arnold.
- Strazny, Philipp. (2005). *Encyclopedia of linguistics*. An imprint of the Taylor and Francis Group. New York. Oxon.
- Thompson, Geoff. (2004). *Introducing functional grammar*. Second edition. Oxford University Press.